



RESEARCH ARTICLE

Examining The Policy Of The Definitive Effect Of Educational Records In The National Entrance Exam From The Perspective Of Educational Justice

Monire Sadat Hosseini¹, Alireza Heidari^{2*} 

1. Master's Degree of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: Monirehosseini@ut.ac.ir

2. Assistant Professor of Social Science Education, Nasibeh Campus, Farhangian University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: heidari@cfu.ac.ir



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103598>

Received: 29 April 2025
Accepted: 1 September 2025

ABSTRACT

The present article aims to examine the effects of the policy of considering educational background in the national entrance exam and its implications for educational equity. The research utilized a grounded theory approach, with data collected through interviews with 13 experts in the field of educational policy-making. The data analysis process after coding resulted in the extraction of 986 initial codes, which, upon consolidation and analysis, identified 30 subsidiary categories, ultimately leading to the extraction of 11 main categories. The results derived from open, axial, and selective coding are classified into six main axes: 1. Central phenomenon, 2. Causal conditions, 3. Contextual conditions, 4. Intervening factors, 5. Strategies, and 6. Outcomes. The findings indicate that the implementation of this policy in the early years led to improvements in the distribution of ranks and positive changes in educational equity. These changes reflect a relative increase in educational equity and the potential of the aforementioned policy to enhance equal educational opportunities, particularly for students from underprivileged areas.

Keywords: Educational Policy-Making, Educational Equity, National University Entrance Exam, Impact Of GPA, Economic Deciles.

Citation: Hosseini, Monire Sadat; Heidari, Alireza (2025). Examining Cultural Policies of the Islamic Republic in the Field of Fiction by Revolutionary Writers. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (3), 97-118.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103598>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

بررسی سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در کنکور سراسری از منظر عدالت آموزشی

منیره سادات حسینی^۱، علی رضا حیدری^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: monirehosseini@ut.ac.ir

۲. استادیار آموزش علوم اجتماعی، پردیس نسیم، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: heidari@cfu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103598>

تاریخ دریافت: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی اثرات سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در آزمون سراسری و پیامدهای آن بر عدالت آموزشی انجام شده است. پژوهش از روش تئوری داده بنیاد بهره گرفته و داده‌های آن از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه سیاستگذاری آموزشی جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها پس از فرایند کدگذاری منجر به استخراج ۹۸۶ کد اولیه گردید که با تجمیع و تحلیل آن‌ها، ۳۰ مقوله فرعی شناسایی و در نهایت ۱۱ مقوله اصلی استخراج شدند. نتایج حاصل از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی در قالب شش محور اصلی شامل پدیده محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که اجرای این سیاست در سال‌های نخست به بهبود توزیع رتبه‌ها و ایجاد تغییرات مثبت در عدالت آموزشی منجر شده است. این تغییرات نشان‌دهنده افزایش نسبی عدالت آموزشی و پتانسیل سیاست مذکور در ارتقای فرصت‌های برابر تحصیلی به ویژه برای دانش‌آموزان مناطق محروم است.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری آموزشی، عدالت آموزشی، کنکور سراسری، تأثیر قطعی معدل، دهک‌های اقتصادی.

استناد: حسینی، منیره سادات؛ حیدری، علی رضا (۱۴۰۴). بررسی سیاست تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در کنکور سراسری از منظر عدالت آموزشی. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۱ (۳)، ۹۷-۱۱۸.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.103598>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان بنیادین توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی آینده فردی و جمعی و برقراری عدالت اجتماعی ایفا می‌کند (Walker et al., 2019:8). در ایران، سیاستگذاری‌های آموزشی طی دهه‌های اخیر با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو بوده است که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها، مسئله نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر است (Ghaffaari Esmaa'eeli et al., 2024:170). کنکور سراسری، به عنوان یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های سنجش و پذیرش دانشجو، با تمرکز بر نتایج یک آزمون متمرکز و استاندارد، طی سالیان متمادی به نمادی از بی‌عدالتی ساختاری در نظام آموزشی کشور تبدیل شده است. ماهیت این آزمون که عمدتاً مبتنی بر مهارت‌های تست‌زنی و نتایج لحظه‌ای است، به طور نامتناسبی به نفع دانش‌آموزانی از دهک‌های اقتصادی بالاتر عمل کرده و دسترسی دهک‌های پایین‌تر را به فرصت‌های تحصیلی با کیفیت محدود ساخته است. در پاسخ به این چالش‌ها، سیاستگذاران آموزشی همواره به دنبال اصلاح ساختارهای ناعادلانه و ارتقای عدالت آموزشی بوده‌اند (Mosalsali, 2024:2). در همین راستا، مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تأثیر قطعی معدل امتحانات نهایی در نتایج کنکور سراسری به عنوان یکی از اقدامات کلیدی در جهت کاهش نابرابری‌های آموزشی معرفی شده است. این مصوبه با هدف ایجاد توازن میان فرصت‌های آموزشی برای دهک‌های مختلف درآمدی، تلاش می‌کند تا از یک سو، سهم دهک‌های اقتصادی بالا را در کسب رتبه‌های برتر تعدیل کند و از سوی دیگر، مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری مستمر را افزایش دهد. حامیان این سیاست بر این باورند که تأثیرگذاری معدل، ضمن کاهش تمرکز صرف بر مهارت‌های تست‌زنی، می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش در مدارس و افزایش عدالت اجتماعی منجر شود. با این حال، منتقدان این رویکرد به محدودیت‌های اجرایی، تعدد امتحانات نهایی و تحمیل فشار و اضطراب مضاعف بر دانش‌آموزان، عدم استانداردسازی یکپارچه در برگزاری امتحانات نهایی در مناطق مختلف کشور و امکان تشدید نابرابری‌ها در برخی ابعاد دیگر اشاره دارند. این مقاله با رویکردی تحلیلی به بررسی جامع تأثیر مصوبه مذکور بر عدالت آموزشی در نظام سنجش و پذیرش دانشجو می‌پردازد و هدف از آن تعیین میزان موفقیت این سیاست در کاهش نابرابری‌های آموزشی و بهبود فرصت‌های برابر برای تمامی داوطلبان است. در این راستا، داده‌های موجود همراه با نتایج مصاحبه‌ها که با سیاستگذاران و کارشناسان آموزشی انجام شده، تحلیل می‌شوند که این امر به غنای تحلیل و درک بهتری از تأثیر این مصوبه بر عدالت آموزشی کمک خواهد کرد.

مفاهیم کلیدی

در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش می‌پردازیم. اولین مفهوم، سابقه تحصیلی است. منظور از سابقه تحصیلی، نمرات دروس عمومی و تخصصی سال آخر دوره دوم متوسطه در نظام آموزشی ۳-۳-۶ و دیپلم و پیش‌دانشگاهی در نظام آموزشی قبلی هر رشته تحصیلی دوره متوسطه است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری، به طور استاندارد و کیفی توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت سراسری و نهایی در سنوات مختلف مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد.^۱ مفهوم بعدی، تأثیر قطعی سوابق تحصیلی است. منظور از این مفهوم، سهم نمره کل سابقه تحصیلی برای پذیرش در سال تحصیلی ۱۴۰۱ با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۴۰ درصد با تأثیر مثبت و برای پذیرش از سال تحصیلی ۱۴۰۲ و بعد از آن، سهم نمره کل سابقه تحصیلی، با توجه به سابقه تحصیلی موجود و مرتبط، ۶۰ درصد با تأثیر قطعی در نمره کل نهایی و مابقی ۴۰ درصد سهم آزمون اختصاصی خواهد بود.^۲ عدالت آموزشی، مفهوم کلیدی دیگری است که در این پژوهش به کار رفته است. عدالت آموزشی به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی است که نیازهای متفاوت

۱. مصوب جلسه ۸۴۳ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۲. همان.

دانش‌آموزان را برآورده کند. در مقابل، برابری آموزشی به معنای توزیع یکسان منابع است که ممکن است برای دانش‌آموزانی که نیازهای خاصی دارند، کافی نباشد؛ بنابراین، عدالت آموزشی به دنبال ایجاد شرایطی است که در آن همه دانش‌آموزان بتوانند به پتانسیل کامل خود دست یابند (Abdolahzadeh et al., 2021:156). به‌طور کلی، عدالت آموزشی را برابری در شرایط ذیل دانسته‌اند: الف. از منظر دسترسی آموزشی: نرخ ثبت‌نام در مقاطع تحصیلی مختلف، فاصله تا نزدیک‌ترین مدرسه، هزینه‌های تحصیل، دسترسی به امکانات آموزشی (کتابخانه، آزمایشگاه، اینترنت). ب. از منظر کیفیت آموزش: نرخ قبولی در آزمون‌های استاندارد، سطح سوادآموزی، کیفیت معلمان، میزان رضایت دانش‌آموزان و اولیا، منابع آموزشی. پ. عملکرد نظام آموزشی را می‌توان بر اساس خروجی‌های آن سنجید. این خروجی‌ها شامل میزان موفقیت دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی، تطابق مهارت‌های آن‌ها با نیازهای بازار کار و همچنین میزان مشارکت فارغ‌التحصیلان در توسعه جامعه است (Al-Husseini, 2010:17).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه سنجش و پذیرش در نظام آموزشی انجام شده است که در این بخش به برخی از آن‌ها که در حوزه کنکور کارشناسی اشاره می‌شود. قلی‌پور و وثوقی نیری در تحقیق خود تحت عنوان «تحلیل سیاست‌پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» به تحلیل انتقادی قانون کنونی سنجش و پذیرش پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که این قانون با مشکلاتی چون عدم تطابق با نیازهای بازار کار، تمرکز زیاد بر حافظه و توانایی حل مسئله، نادیده گرفتن تنوع استعدادها و علائق دانش‌آموزان و نقص در فرایند سیاست‌گذاری مواجه است. پژوهشگران بر لزوم تغییرات اساسی در قوانین و مقررات تأکید دارند تا این تغییرات با نیازهای جامعه و بازار کار هماهنگ شوند و به طور مؤثر بر سنجش توانایی‌های خلاقانه و مهارت‌های نرم دانشجویان تمرکز کنند (Gholipour & Vosoughi-Nairy, 2014:103). کیانی در مقاله خود با عنوان «سوابق تحصیلی و آزمون‌های سراسری جایگزین نظام کنکور محور: چرایی، چیستی و چگونگی تغییر»، به بررسی تأثیر شیوه‌های سنجش کنونی بر نظام آموزشی ایران و محدودیت‌های آن می‌پردازد. وی اشاره می‌کند که روش تدریس معلمان به دلیل تمرکز بیش از حد بر نتایج کنکور محدود شده است که این امر باعث کاهش خلاقیت در آموزش و یادگیری می‌گردد. کیانی بر این باور است که توجه به سوابق تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس، یادگیری عمیق‌تر و کاهش اضطراب و فشار روانی دانش‌آموزان کمک کند (Kiani, 2015:2). همچنین، یافته‌های پژوهشی با عنوان «تأثیر آزمون سراسری بر تدریس و ارزشیابی از دیدگاه معلمان» که توسط فتح‌آبادی، شلانی و صادقی انجام شده، نشان می‌دهد که تمرکز شدید نظام آموزشی ایران بر کنکور باعث شده تا آموزش از مسیر اصلی خود منحرف شود و به جای پرورش تفکر انتقادی و یادگیری عمیق، بیش‌تر به آموزش تکنیک‌های تست‌زنی و حفظیات پرداخته شود. این رویکرد نه تنها کیفیت آموزش را کاهش داده، بلکه انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری را نیز تضعیف کرده است (Fathabadi et al., 2018:7). کریمی بهروزیان، افقی و عبداللهی در پژوهش خود با عنوان «طبقه اجتماعی و رتبه کنکور»، به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر موفقیت در کنکور پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه که با الهام از نظریه بورديو انجام شده، نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و هوش شناختی دانش‌آموزان و رتبه کنکور آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. به‌طور کلی، دانش‌آموزانی که از شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر و هوش شناختی بالاتری برخوردار بودند، در کنکور موفق‌تر بوده‌اند (Karimi Behrouziyan et al., 2018:27). سوادکوهی خویگانی و زارعی محمودآبادی در پژوهشی داده‌بنیاد با عنوان «پیامدها و چالش‌های ماندن در پشت کنکور: مطالعه داده‌بنیاد»، به بررسی پیامدها و چالش‌های مرتبط با ماندن در پشت کنکور پرداخته‌اند و تأثیرات ساختار آزمون کنکور را نیز مورد توجه قرار دادند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در این مطالعه برجسته شده، شیوه صرفاً تستی و زمان محدود برگزاری کنکور است که فشار روانی شدیدی بر داوطلبان وارد می‌کند (Savadkouhi Khoyagani et al., 2022:5). فتح‌تبار فیروزجایی و همکاران در مقاله خود با عنوان «آسیب‌شناسی

وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو»، با بررسی چالش‌های نظام کنکور در ایران، آن را به سه دسته آسیب‌های پیش از کنکور، حین کنکور و پس از آن تقسیم‌بندی کرده‌اند. پژوهشگران با مقایسه نظام سنجش و پذیرش ایران با کشورهای توسعه‌یافته، نشان می‌دهند که تکیه بیش از حد بر یک آزمون سراسری و نادیده گرفتن عوامل متنوعی مانند استعداد، مهارت و سوابق تحصیلی از جمله مشکلات اصلی نظام کنکور ایران است (Fathtabar Firouzjaei et al., 2021:49). تودجی در مقاله خود با عنوان «تأثیر کنکور بر سلامت روان دانش‌آموزان متوسطه دوم»، به بررسی اثرات منفی کنکور بر نوجوانان می‌پردازد. وی کنکور را پدیده‌ای می‌داند که بر جنبه‌های مالی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و بر روند تحصیلی مدارس اثرات منفی دارد (Todji, 2022:4). احمدی صفا و شیخ الملوکی در پژوهش خود با عنوان «تأثیرات یک آزمون سراسری پرخطر از دیدگاه معلمان و مدیران دبیرستان: یک مطالعه کیفی»، به این نتیجه رسیده‌اند که کنکور با ایجاد فشار روانی و تمرکز بیش از حد بر محتوای درسی خاص، به کاهش کیفیت یادگیری عمیق در میان دانش‌آموزان و افزایش استرس در آن‌ها منجر شده است و در همین راستا معلمان نیز ناگزیر برای موفقیت دانش‌آموزان در کنکور به روش‌های صرفاً حفظی و نکته محور در کلاس‌های درس اکتفا می‌کنند (Ahmadi Safa & Sheikholmoloki, 2023:55). موسوی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و دانشگاه»، با هدف شناسایی مشکلات کنکور سراسری در ایران و تأثیرات آن بر نظام آموزشی و دانش‌آموزان از طریق مصاحبه با خبرگان و تحلیل داده‌ها، چالش‌های مختلفی را در سطوح مختلف از جمله نظام آموزشی، خود آزمون، محیط اطراف کنکور، فرایند پذیرش و سیاست‌گذاری کلان شناسایی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توجه صرف به مقوله کنکور فشار روانی و اقتصادی زیادی را بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها متحمل کرده است و نیازمند بازنگری اساسی در امر کنکور هستیم (Musavi et al., 2024:20). رحمان و همکاران در پژوهشی با عنوان «شستشوی ارزشیابی در تمرین یادگیری انگلیسی در مدارس متوسطه»، از اصطلاح واش‌بک استفاده می‌کنند. در واقع، این اصطلاح به تأثیر نحوه ارزشیابی آزمون بر فرایند مطالعه و یادگیری اشاره می‌کند و نویسندگان به‌طور کلی تأکید دارند که نوع طراحی و اجرای آزمون‌ها می‌تواند تأثیرات اساسی بر روش‌های تدریس و یادگیری داشته باشد (et al., 2021:20 Rahman). مک میلان در کتاب خود با عنوان «راهنمای تحقیق سیج در ارزیابی کلاس درس»، بر اهمیت ارزشیابی کلاسی تأکید کرده و یادآور می‌شود که تحقیقات در زمینه یادگیری و انگیزش، صحت این نظریه که ارزشیابی کلاسی و آموزش نقش مهمی دارند، را تأیید می‌کند (McMillan, 2013:4). ایگیت در مقاله خود با عنوان «ارزیابی اثر تست در کلاس درس: روشی مؤثر برای بازیابی اطلاعات آموخته شده»، بر اهمیت ارزشیابی معلمان تأکید کرده و آن را فرایندی برای سنجش آنچه دانش‌آموزان آموخته‌اند تعریف می‌کند و آزمون‌ها را یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های ارزیابی می‌داند (Atabek Yigit et al., 2014:99). هانگ و لی در مطالعه خود با عنوان «ترسیم تعامل بین آزمون پرمخاطره و اصلاح برنامه درسی: مطالعه موردی در سرزمین اصلی چین»، ارتباط بین ارزشیابی و برنامه درسی را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که بین ارزشیابی و برنامه درسی تعامل دوطرفه وجود دارد و این دو تأثیر متقابلی بر هم دارند؛ بنابراین، بررسی وضعیت کنکور به‌عنوان یک مقوله اساسی مورد توجه پژوهشگران بوده است. بیش‌تر پژوهش‌ها به آسیب‌شناسی کنکور از منظر روانی پرداخته و تأثیرات آن را بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها مورد تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های سیاستی این مطالعات نشان‌دهنده لزوم اصلاحات در نظام سنجش و پذیرش کنکور و استفاده از روش‌های جایگزین برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری است (Huang & Lee, 2015:81).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد^۱ به منظور تحلیل و تبیین تأثیر مصوبه اعمال قطعی معدل امتحانات نهایی بر عدالت آموزشی انجام شده است. این روش به عنوان یک رویکرد کیفی پژوهش، ابزاری مناسب برای درک عمیق و تحلیل دقیق پدیده‌های نوظهور یا کمتر شناخته‌شده در حوزه سیاستگذاری آموزشی است. این روش زمانی کاربردی می‌شود که هدف، کشف الگوها، فرایندها و عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های آموزشی باشد. با توجه به این که مصوبه تأثیر قطعی معدل در کنکور سراسری یک سیاست جدید است که در سال ۱۴۰۰ تصویب شده و در سال ۱۴۰۱ اصلاحیه‌هایی بر آن اعمال شده است، این موضوع هنوز به طور جامع مطالعه نشده و پژوهش‌های کافی در این حوزه انجام نگرفته است و از آنجایی که تنها دو سال از اجرایی شدن این سیاست می‌گذرد و پیامدهای آن همچنان در حال شکل‌گیری و تأثیرگذاری بر نظام آموزشی است، استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد به ما اجازه می‌دهد تا به طور دقیق و بدون پیش‌فرض‌های اولیه، داده‌های خام را جمع‌آوری و تحلیل کنیم. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا نقش ذی‌نفعان مختلف (مانند دولت، دانش‌آموزان، معلمان، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی) در پیاده‌سازی و واکنش به این سیاست را بررسی کنیم و نظریه‌هایی را درباره تأثیرات و چالش‌های این مصوبه توسعه دهیم. در نهایت، با توجه به نوپا بودن این سیاست و عدم وجود پژوهش‌های گسترده در این زمینه، استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد انتخابی مناسب برای درک عمیق‌تر و ارائه چارچوب‌های نظری جدید درباره تأثیرات و پیامدهای این مصوبه است. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا با استناد به داده‌های واقعی، نظریه‌هایی را استخراج کنیم که می‌توانند به عدالت بیشتر در نظام کنکور سراسری، کاهش فشارهای تحصیلی دانش‌آموزان و تأسیس نظامی عادلانه‌تر در آموزش و پرورش کمک کنند. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۳ نفر از متخصصان برجسته در حوزه سیاستگذاری آموزشی، اساتید دانشگاه و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند، به گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان اولیه با معرفی افراد دارای تخصص مرتبط، شبکه‌ای از خبرگان را شکل دادند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد که این مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری پس از انجام ۱۰ مصاحبه حاصل شد، اما برای اطمینان از جامعیت داده‌ها، تعداد مصاحبه‌ها به ۱۳ مورد افزایش یافت. پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی مصاحبه توسط محققان شنیده شد و تمام صحبت‌های انجام‌شده در نرم‌افزار مایکروسافت ورد پیاده‌سازی شد و از این طریق متن مکتوب تمام صحبت‌ها تهیه شد. مشخصات صاحب‌نظران کلیدی و مشارکت‌کننده در بخش مصاحبه در جدول شماره ۱ ارائه شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. برای این اساس، در نخستین گام از طبقه‌بندی داده‌های کیفی، محققان با کدگذاری باز به دسته‌بندی دقیق و منظم ساختن داده‌های جمع‌آوری شده پرداختند. در این فرایند، داده‌ها به واحدهای مفهومی کوچک تقسیم شده و هر واحد با کد اختصاص داده شده مشخص گردید. این روش امکان شناسایی و طبقه‌بندی مفاهیم اولیه و ریشه‌دار را به محققان می‌دهد. در مرحله دوم، محققان با انتخاب مقوله مرکزی به بررسی روابط آن با سایر مقوله‌ها پرداختند. این روابط شامل پنج دسته اصلی شرایط علی، زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها هستند که به درک بهتر پدیده محوری و عوامل مؤثر بر آن کمک می‌کنند. این فرایند امکان شناسایی روابط علت و معلولی و تدوین نظریه‌های مبتنی بر داده‌ها را فراهم می‌آورد. در مرحله سوم، پژوهشگران با انتخاب مقوله مرکزی، به ایجاد چارچوب نظری جامع و برقراری نظام‌مند روابط بین آن و سایر مقوله‌ها پرداخته و شواهدی از داده‌ها ارائه می‌دهند. ویژگی منحصر به فرد این پژوهش، توجه هم‌زمان به ابعاد نظری و اجرایی مصوبه است. از یک سو، یافته‌ها در قالب چارچوب‌های نظری مرتبط با عدالت آموزشی تحلیل شده‌اند و از سوی دیگر، محدودیت‌ها و چالش‌های عملیاتی در اجرای مصوبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این ترکیب دوگانه، تصویری جامع از تأثیرات مصوبه ارائه داده و زمینه‌ساز ارائه پیشنهادات سیاستی مستند و داده‌محور شده است.

جدول ۱ - ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

متغیر جمعیت‌شناختی	مختصات مصاحبه‌شونده‌ها	تعداد
سطح مدیریتی	صاحب‌نظر و متخصص حوزه سنجش و آموزش	۳
	نماینده مجلس شورای اسلامی	۲
	مدیر و سیاستگذار شورای عالی انقلاب فرهنگی	۲
	صاحب‌نظر و هیئت‌علمی دانشگاه	۲
	مدیر و سیاستگذار وزارت آموزش و پرورش	۲
	مدیر و سیاستگذار سازمان سنجش و آموزش کشور	۲
سابقه خدمت	زیر شش سال	۰
	هفت الی سیزده سال	۵
	چهارده سال به بالا	۸
جنسیت	زن	۲
	مرد	۱۱

یافته‌های پژوهش

منظور از عدالت آموزشی توزیع برابر فرصت‌های یادگیری باتوجه به نیازها برای تمامی افراد جامعه، فارغ از هرگونه تمایز و تبعیض، از جمله مذهب، جنس، نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی است. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نیز بر اهمیت این تعریف از عدالت آموزشی تأکید دارند. مصاحبه‌شوندگان بر لزوم ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان، صرف‌نظر از شرایط اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تأکید داشتند. همچنین، آن‌ها بر اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی و نیازهای خاص هر دانش‌آموز اشاره کرده‌اند. در ادامه، نمونه‌هایی از نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این زمینه ارائه می‌گردد:

«... منظور از عدالت آموزشی دسترسی عادلانه داوطلبان مختلف به تحصیلات عالی است. شاخص آن که به صورت معمول در اسناد و گزارش‌ها مشاهده می‌شود همان درصد ورود داوطلبان مناطق مختلف کشور به دانشگاه است و اگر ورود متناسب با جمعیتشان باشد عادلانه می‌شود و بعد جغرافیایی و اقتصادی مدنظر است...» (م ۱).^۱ «... اساساً عدالت را اگر به معنی یکسان در نظر بگیریم منظور نیست و عدالت آموزشی به این معنا است که فرصت‌های یادگیری و امکانات آموزشی برای همه افراد جامعه باتوجه به نیازشان فراهم باشد...» (م ۸). «... عدالت آموزشی به معنای ارائه محتوای آموزشی متناسب با نیازها و استعدادهای هر فرد است؛ به‌عنوان مثال، دانش‌آموزان سمپاد در دوره متوسطه اول کتاب‌های اضافی دارند که بر اساس استعدادهای خاص آن‌ها طراحی شده است؛ بنابراین، ابتدا باید نیازسنجی انجام شود و سپس امکانات متناسب در اختیار افراد قرار گیرد...» (م ۶). «... عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که دسترسی به منابع و امکانات آموزشی برای همه یکسان باشد؛ به‌طوری‌که فقط ساکنان پایتخت از منابع فراوان بهره‌مند نشوند و در عوض، کودکان روستاها و حاشیه شهرها به معلم و امکان تحصیل دسترسی نداشته باشند...» (م ۱۳).

«... عدالت با برابری فرق دارد. عدالت آموزشی یعنی این که با توجه به استعداد و توانایی هر فرد به آن امکانات و آموزش و مهارت داد و باید قبل از استعداد و ظرفیت افراد را بشناسیم و مبتنی بر آن‌ها آموزش دهیم...» (م ۳). «... عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که همه افراد به فرصت‌های برابر برای دسترسی به منابع یادگیری دسترسی داشته باشند، در حالی که در حال

۱. م. علامت اختصاری مصاحبه‌شونده‌ها است.

حاضر دانش‌آموزان در بعضی شهرها برای خرید کتاب مجبور به سفر به مراکز استان‌ها هستند؛ بنابراین، کنکور نمی‌تواند تنها ملاک سنجش آن‌ها باشد، زیرا نقطه شروع‌شان متفاوت است...» (م ۴).

در مجموع، عدالت آموزشی به معنای ایجاد یک سیستم آموزشی است که در آن همه افراد بتوانند به پتانسیل کامل خود دست یابند و به ساخت جامعه‌ای بهتر و توسعه کشور کمک کنند.

بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته طی سه مرحله «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» از ۱۳ مصاحبه صورت گرفته ۹۸۶ کد استخراج گردید. تحلیل کدهای استخراج شده به شناسایی ۳۰ مقوله فرعی منجر گردید. در نهایت از دسته‌بندی مقوله‌ها ۱۱ مقوله اصلی استخراج شد. روابط بین مقوله‌های شکل گرفته در داده‌ها نشان داد که الگوی شکل گرفته با شکل اصلی پارادایمی استراوس و کوربین تطابق دارد؛ یعنی پدیده محوری عدالت آموزشی متأثر از شرایط علی بوده و خود بر راهبردها تأثیرگذار است. همچنین، راهبردها تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، پیامدهای مرتبط با پدیده مورد بررسی را شکل می‌دهند. در ادامه به تشریح مقوله‌های الگوی مذکور و ذکر نمونه‌هایی از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان در هر مورد می‌پردازیم.

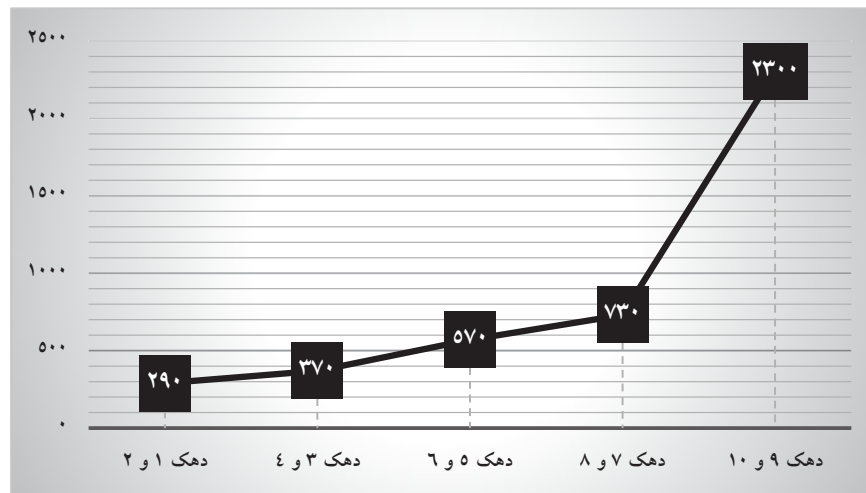
شرایط علی

الف. سیاست‌های آموزشی دولت: در این نوشتار، به طور خاص سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو مورد نظر است. این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدالت آموزشی است. در واقع، سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو تعیین می‌کنند که چه افرادی و با چه معیارهایی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی راه پیدا کنند. به عبارت دیگر، این سیاست‌ها دریچه‌ای برای ورود به آموزش عالی می‌باشند. افزون بر این، سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشجو به طور مستقیم بر فرصت‌های تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارند. نمونه‌ای از اظهارات مصاحبه‌شوندگان در این خصوص عبارتست از:

«... بنابراین، نحوه انتخاب داوطلبان، به طور مستقیم بر میزان عدالت در سیستم آموزشی ما اثرگذار است...» (م ۴).

ب. وضعیت اقتصادی خانواده‌ها: دسترسی به منابع آموزشی باکیفیت که اغلب به وضعیت اقتصادی خانواده وابسته است، نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. نمونه‌ای از نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدین قرار است: «...خانواده‌هایی که از نظر مالی توانمندتر هستند، معمولاً می‌توانند هزینه‌های آموزشی بیش‌تری را متحمل شوند که این هزینه‌ها شامل شهریه مدارس خصوصی و غیرانتفاعی، کلاس‌های تقویتی، کتاب‌های کمک‌درسی و تست‌زنی و... می‌شود...» (م ۱۱).

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که نابرابری در دسترسی به آموزش باکیفیت در دوران متوسطه در دهک‌های اقتصادی کاملاً محسوس است. بررسی‌ها حاکی از آن است که خانوارهای برخوردار در دهک‌های درآمدی بالا، به طور متوسط بیش از سه برابر خانوارهای دهک‌های پایین‌تر، برای آموزش فرزندان خود هزینه می‌کنند. این امر موجب ایجاد تفاوت قابل توجهی در کیفیت و میزان دسترسی به منابع آموزشی برای دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی می‌شود. در سال ۱۴۰۲، متوسط هزینه آموزشی سالانه هر دانش‌آموز در دهک‌های بالا به دو میلیون و سیصد هزار تومان می‌رسید، در حالی که این رقم در دهک‌های پایین‌تر تنها دویست و نود هزار تومان بود. این اختلاف چشمگیر نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دهک‌های بالا، به دلیل برخورداری از منابع مالی بیش‌تر، امکان دسترسی به آموزش‌های تکمیلی، کلاس‌های تقویتی، مدارس غیرانتفاعی، مشاور تحصیلی، آزمون‌های آزمایشی و سایر خدمات آموزشی را دارند. این در حالی است که دانش‌آموزان دهک‌های پایین‌تر به دلیل محدودیت‌های مالی، اغلب به مدارس دولتی با امکانات محدودتر دسترسی دارند (Ramezani & Mazaheri, 2024:5).



شکل ۱ - متوسط هزینه کرد سرانه خانوارها برای فعالیت‌های آموزشی هر فرزند در مقطع متوسطه دوم در سال ۱۴۰۲

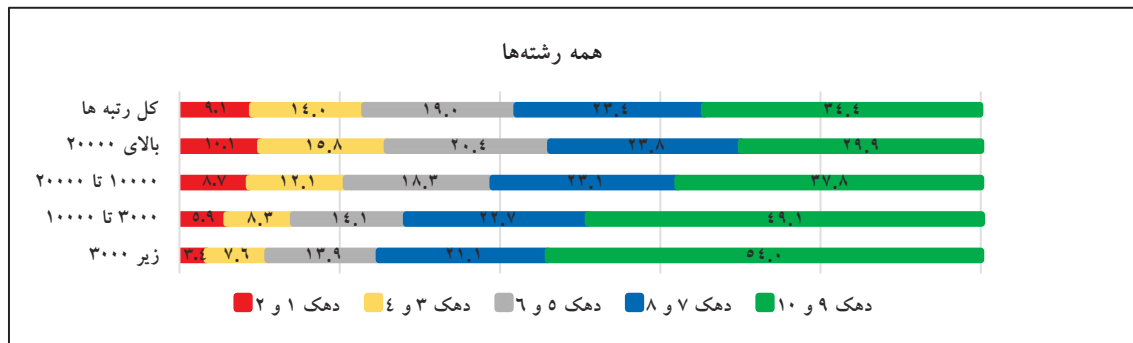
پ. کیفیت آموزش در مدارس: کیفیت آموزش در مدارس به عنوان یکی از مؤلفه‌های شرایط علی، تابعی از عوامل مختلفی از جمله سطح علمی معلمان، روش‌های تدریس، امکانات آموزشی است. نابرابری در دسترسی به این عوامل، به طور مستقیم بر کیفیت آموزش و در نتیجه، فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهند که سطح کیفیت آموزش در مدارس مختلف، حتی در یک شهر واحد، یکسان نبوده و تفاوت‌های چشمگیری بین مناطق مختلف کشور مشاهده می‌شود. این امر حاکی از آن است که توزیع عادلانه منابع آموزشی و نیروی انسانی متخصص در سیستم آموزشی کشور، با چالش‌های جدی مواجه است. نمونه‌ای از نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه نقل می‌شود:

«... رتبه‌بندی معلمان به عنوان عاملی کلیدی در کیفیت آموزش، تأثیر بسزایی دارد. معلمان باصلاحیت و با تجربه بالا معمولاً آموزش‌های مؤثرتری ارائه می‌دهند، اما توزیع نامتوازن آن‌ها در مناطق مختلف کشور می‌تواند نابرابری‌های آموزشی را تشدید کند. به عنوان مثال، کیفیت آموزش معلمی در مدارس غیرانتفاعی تهران با معلمی در مناطق کمتر توسعه یافته یکسان نیست...» (م ۷).

ت. دسترسی به منابع آموزشی: دسترسی به منابع آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. این دسترسی، به مجموعه‌ای از عوامل مانند کتاب‌های درسی مناسب، اینترنت پرسرعت، امکانات آزمایشگاهی، کلاس‌های تقویتی، مشاوران تحصیلی، محیط مطالعه، کتاب تست مناسب و... اشاره دارد؛ نمونه‌ای از نظرات مصاحبه‌شوندگان در این باره بدین شرح است:

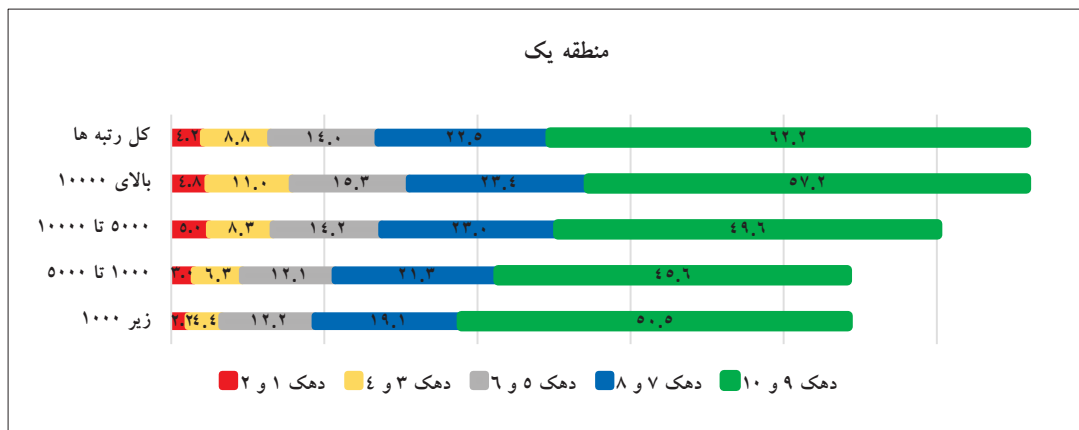
«... قطعاً طبقه برخوردارتر معمولاً دسترسی بیشتری به منابع آموزشی دارد و می‌تواند بیش‌تر هزینه کند و بعداً هم نتیجه بهتری در کنکور می‌گیرد...» (م ۱۳).

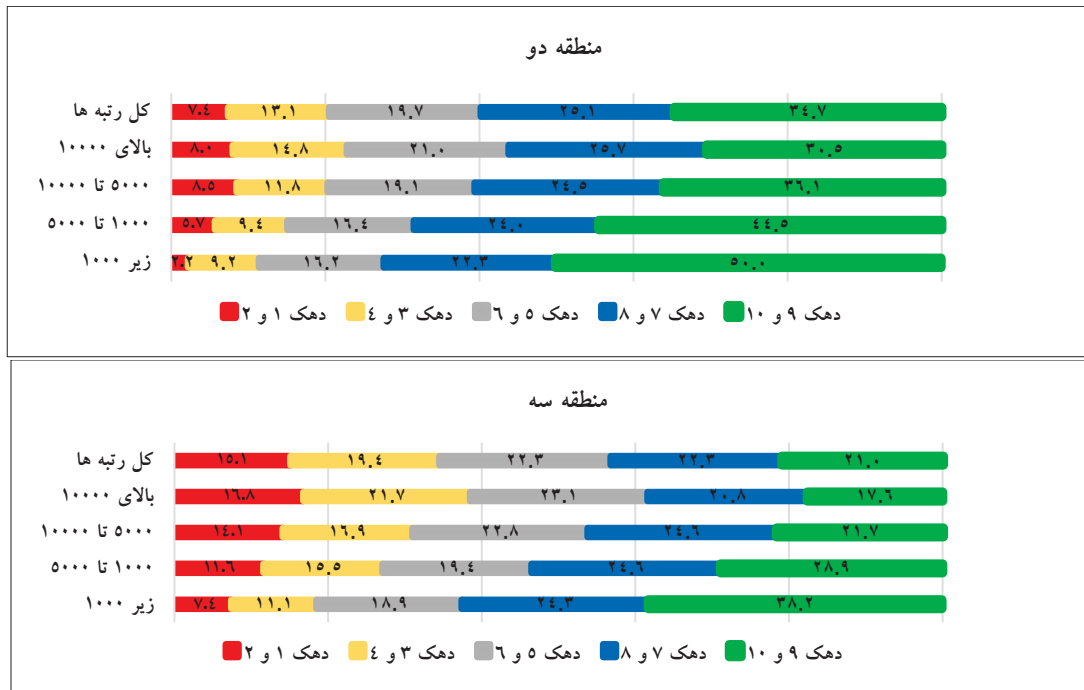
نمودار ارائه شده در شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که سهم دهک‌های درآمدی بالا (۹ و ۱۰) در رتبه‌های برتر کنکور به طور قابل توجهی بیش‌تر از سهم دهک‌های پایین (۱ و ۲) است. حتی با افزایش تعداد دانشجویانی که در تحلیل‌ها بررسی می‌شوند، این نابرابری همچنان پابرجا می‌ماند. به عنوان مثال، در بین رتبه‌های ۳ تا ۱۰ هزار، سهم دهک‌های ۹ و ۱۰ حدود ۴۹ درصد است، در حالی که سهم دهک‌های ۱ و ۲ به ۶ درصد هم نمی‌رسد. این الگو در رتبه‌های ۱۰ تا ۲۰ هزار نیز تکرار می‌شود. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که حدود ۳۴ درصد از دانشجویان مورد بررسی از دو دهک درآمدی بالاتر هستند و اگر دهک‌های ۳ تا ۶ را نیز به آن‌ها اضافه کنیم، این رقم به حدود ۵۸ درصد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، سهم دو دهک پایین درآمدی حتی به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نابرابری در دسترسی به آموزش عالی باکیفیت و شکاف عدالت آموزشی در دهک‌های مختلف اقتصادی، یک مسئله ساختاری و فراگیر است و تنها به رشته‌های خاص یا دانشگاه‌های خاص محدود نمی‌شود.



شکل ۲ - نمودار تفکیک سهم دهک‌های درآمدی در رتبه‌های کنکور سراسری سال ۱۳۹۹
(Source: Islamic Consultative Assembly Research Center, 2024)

در تحلیلی دیگر، داده‌های آزمون سراسری با در نظر گرفتن سهمیه‌های مناطق مختلف نشان می‌دهد که نابرابری در دسترسی به آموزش عالی با کیفیت، حتی در مناطق محروم‌تر نیز به شدت وجود دارد. اگرچه سهمیه‌بندی کنکور با هدف ایجاد فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان مناطق مختلف طراحی شده است، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این هدف به طور کامل محقق نشده است. در تمام سه منطقه کنکور (مناطق یک، دو و سه)، دهک‌های درآمدی بالا سهم بیشتری از رتبه‌های برتر را به خود اختصاص داده‌اند. این مسئله حتی در منطقه سه که به عنوان منطقه محروم‌تر شناخته می‌شود، نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در منطقه سه، سهم دهک‌های پایین درآمدی از کل پذیرفته‌شدگان حدود ۱۵ درصد است، اما سهم آن‌ها از رتبه‌های سه رقمی تنها ۵ درصد است. این نشان می‌دهد که حتی در بین دانش‌آموزانی که از مزایای سهمیه منطقه سه بهره‌مند می‌شوند، دانش‌آموزان دهک‌های بالای اقتصادی عملکرد بهتری دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی و اجتماعی همچنان نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان در کنکور ایفا می‌کنند. حتی در مناطق محروم‌تر، دانش‌آموزانی که از حمایت مالی خانواده‌های خود برخوردار هستند، شانس بیشتری برای قبولی در رشته‌های پرطرفدار و دانشگاه‌های برتر دارند.





شکل ۳ - سهم دهک‌های مختلف درآمدی از رتبه‌های برتر کنکور ۱۳۹۹ - سهمیه مناطق سه‌گانه

(Source: Islamic Consultative Assembly Research Center, 2024)

شرایط زمینه‌ای

به لحاظ شرایط زمینه‌ای، **ساختار خانواده و عوامل فرهنگی - اجتماعی** که فرد در آن رشد می‌کند، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نگرش او نسبت به تحصیل و در نهایت موفقیت تحصیلی ایفا می‌کند. در برخی خانواده‌ها، تحصیل به‌عنوان یک ارزش اساسی تلقی می‌شود و اعضای خانواده از سنین پایین، کودکان را به مطالعه و کسب دانش تشویق می‌کنند. در چنین خانواده‌هایی، کتاب خواندن، حضور در کلاس‌های فوق برنامه و پیگیری پیشرفت تحصیلی فرزندان، امری عادی و روزمره است. این نوع نگرش مثبت نسبت به تحصیل، انگیزه و پشتکار دانش‌آموز را افزایش داده و او را به سمت موفقیت تحصیلی سوق می‌دهد. از سوی دیگر، در خانواده‌های دیگری، به دلایل مختلفی مانند شرایط اقتصادی نامناسب، فرهنگ حاکم بر جامعه یا اولویت‌های متفاوت، اهمیت چندان به تحصیلات داده نمی‌شود. در این گونه خانواده‌ها، ممکن است فرزندان به جای مطالعه، به کارهای دیگری مانند کمک به خانواده یا فعالیت‌های اجتماعی مشغول شوند. همچنین، باورهای فرهنگی غلط در مورد نقش زنان و مردان در جامعه نیز می‌تواند بر فرصت‌های تحصیلی دختران تأثیر منفی بگذارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که محیط خانواده و جامعه، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین محیط یادگیری، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و نگرش فرد نسبت به تحصیل دارد. بنابراین، برای ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد، لازم است که به عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر تحصیل توجه ویژه شود و تلاش شود تا نابرابری‌های موجود در این زمینه کاهش یابد. نمونه‌ای از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این زمینه ارائه می‌گردد:

«... ساختار خانواده‌ها و آن فرهنگ خانوادگی هم اهمیت دارد؛ مثلاً در بسیاری از شهرها تحصیلات یک ارزش است و اهمیت دارد که طرف چه رشته‌ای خوانده است و در کدام دانشگاه تحصیل کرده؛ ولی در یک سری مناطق تحصیلات اصلاً اهمیتی ندارد و به‌خصوص دختران معمولاً زودتر ازدواج می‌کنند و خانه‌دار می‌شوند...» (م ۹).

شرایط مداخله گر

در این ارتباط، اضطراب ناشی از کنکور و آزمون های نهایی و میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور به عنوان دو مقوله مداخله گر در نظر گرفته شده است:

الف. اثر فشار روانی و اضطراب بر روی عملکرد دانش آموزان: فشار روانی و اضطراب، دو مهمان ناخوانده ای هستند که می توانند به طور جدی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر بگذارند. این عوامل، همچون سدّی محکم، مانع از آن می شوند که دانش آموزان به پتانسیل کامل خود دست یابند. زمانی که دانش آموزان با حجم بالای تکالیف، امتحانات و انتظارات بالا مواجه می شوند، ممکن است احساس اضطراب و استرس شدیدی کنند. این احساسات منفی، تمرکز آن ها را بر روی مطالب درسی کاهش داده و باعث می شود اطلاعات به خوبی در ذهنشان ثبت نشود. علاوه بر این، اضطراب مداوم می تواند انگیزه دانش آموزان را برای یادگیری کاهش داده و آن ها را از ادامه تحصیل دلسرد کند. همچنین، اختلال در خواب، مشکلات جسمی و کاهش اعتماد به نفس از دیگر عواقب منفی فشار روانی و اضطراب در دانش آموزان هستند که به طور مستقیم بر عملکرد تحصیلی آن ها تأثیر می گذارند. البته لازم به ذکر است که درباره این مقوله دیدگاه های موافق و مخالف بسیاری وجود دارد که دو نمونه از نظرات مصاحبه شوندگان را در این خصوص مرور می کنیم:

«... از نکات مثبت مصوبه جدید می توان به کاهش استرس دانش آموزان اشاره کرد. در گذشته، دانش آموزان بعد از ۱۲ سال تحصیل، تنها با یک آزمون ۴ ساعته ارزیابی می شدند و عملکرد آن ها در این آزمون سرنوشت ساز بود. اما اکنون با تأثیر امتحانات نهایی، ارزیابی ها به صورت گسترده تری انجام می شود و اگر دانش آموزی به دلیل بیماری یا... نتواند در یک امتحان شرکت کند، امکان جبران در امتحان های دی ماه یا خرداد ماه وجود دارد. این موضوع به آن ها آرامش می دهد، زیرا می دانند که می توانند در صورت نیاز نمره های بالاتری کسب کنند و نیازی نیست یک سال دیگر صبر کنند تا دوباره کنکور بدهند...» (م ۶). «... به نظر من کنکور به خودی خود اضطراب دارد و حال این امتحانات نهایی هم مزید بر علت شده اند قبلاً حداقل بچه ها می دانستند یک کنکور است در ۴ ساعت و تمام می شود اما الان ۳۰ امتحان نهایی شده است یعنی به جای یک کنکور ما داریم از بچه ها ۳۰ کنکور می گیریم و هر کدام از این ها فشار و اضطراب زیادی را برای شان ایجاد می کند که تأثیراتش واقعاً بعداً ممکن است جبران ناپذیر باشد...» (م ۸).

ب. میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور: میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور، به عنوان یک عامل مداخله گر، به شدت بر نتایج آن ها تأثیر گذار است. این دو عامل، همچون دو بال برای رسیدن به موفقیت در کنکور عمل می کنند. تلاش مستمر و برنامه ریزی شده، به داوطلبان کمک می کند تا بر کمبودهای خود غلبه کرده و نقاط قوت خود را تقویت کنند. از سوی دیگر، استعداد ذاتی، توانایی در یادگیری سریع تر و عمیق تر مطالب را فراهم می آورد. اما باید توجه داشت که داشتن استعداد به تنهایی برای موفقیت کافی نیست و تلاش مستمر، پشتکار و مدیریت زمان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع، تلاش می تواند استعداد را شکوفا کند و فرد را به اوج موفقیت برساند. همچنین، داوطلبانی که از استعداد کمتری برخوردار هستند، با تلاش مضاعف می توانند به نتایج قابل قبولی دست یابند. به طور کلی، تعامل بین تلاش و استعداد، یک عامل تعیین کننده در موفقیت در کنکور است و با مدیریت صحیح این دو عامل، می توان به نتایج دلخواه دست یافت. نمونه ای از نظرات یکی از مصاحبه شوندگان بدین شرح است:

«... انتقاد به مؤسسات آموزشی چندان منطقی نیست، زیرا آن ها در هدایت تحصیلی و مشاوره به دانش آموزان نقش مهمی دارند. تفاوت قابل توجهی بین دانش آموزانی که با برنامه ریزی و مشاوره درس می خوانند و آن هایی که اطلاعاتی ندارند وجود دارد. با این حال، ظرفیت، استعداد و میزان تلاش دانش آموزان نیز عوامل کلیدی هستند که تأثیر زیادی بر نتیجه نهایی دارند؛ حتی با وجود بهترین معلم و مدرسه، بدون تلاش کافی، دستیابی به نتایج مطلوب ممکن نیست...» (م ۲).

راهنماها

با توجه به یافته‌های پژوهش، دو مؤلفه «اعطای کمک‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم‌برخورداران» و «بازنگری و اصلاح سهمیه‌ها» به عنوان راهنماهای سیاستی معرفی شده‌اند.

الف. اعطای کمک‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم‌برخورداران: برای تحقق عدالت آموزشی در مناطق کم‌برخوردار، دولت باید با اولویت‌بندی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، زمینه رشد و توسعه همه افراد جامعه را فراهم آورد. افزایش چشمگیر بودجه‌های آموزشی و اختصاص سهم قابل‌توجهی از آن به مناطق محروم، از گام‌های اساسی در این مسیر است. علاوه بر تأمین نیازهای مالی دانش‌آموزان از طریق کمک‌هزینه‌های تحصیلی، دولت باید به ارتقای کیفیت آموزشی نیز توجه ویژه داشته باشد. تجهیز مدارس به امکانات مدرن، جذب و تربیت نیروی انسانی متخصص، برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای معلمان و ایجاد مراکز مشاوره، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش در این مناطق کمک شایانی کند. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در مناطق کم‌برخوردار نیز از دیگر راهکارهای مؤثر برای ارتقای سطح دانش و مهارت دانش‌آموزان این مناطق به شمار می‌رود. با فراهم کردن امکان دسترسی به اینترنت پرسرعت و منابع آموزشی متنوع، می‌توان دانش‌آموزان را به سمت یادگیری فعال و خودانگیزسته سوق داد. همچنین، ایجاد همکاری‌های بین‌بخشی و مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در امر آموزش، می‌تواند به تکمیل زنجیره خدمات آموزشی در این مناطق کمک کند. با اتخاذ این راهنماها، می‌توان به ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد و کاهش شکاف آموزشی بین مناطق برخوردار و کم‌برخوردار کمک کرد.

نمونه‌ای از نظرات یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه ارائه می‌گردد:

«... به نظر می‌شود کمی هم به دولت خرده گرفت که از وظایف خودش شانه خالی می‌کند و بیش‌تر هل می‌دهد به سمت (بخش) خصوصی درحالی‌که می‌تواند بودجه‌ای به این مناطق اختصاص بدهد برای ساخت مدرسه و امکانات آموزشی و بالا بردن کیفیت در این مناطق...» (م ۱).

ب. بازنگری و اصلاح سهمیه‌ها: مسئله سهمیه‌های کنکور به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی نظام آموزش عالی کشور، همواره با واکنش‌های مختلفی همراه بوده است. این موضوع که در برخی مقاطع با حاشیه‌های سیاسی نیز درآمیخته است، به یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه تبدیل شده و به طور مرتب در فضای عمومی مطرح می‌شود. نمونه‌ای از اظهارنظر یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«... باید تغییری در سهمیه‌ها ایجاد شود در واقع نمی‌توان با سیاست‌ها و سهمیه‌بندی‌های دهه ۶۰ که صرفاً جغرافیایی بوده همان را در دهه ۱۴۰۰ به کار برد و باتوجه به اطلاعات کلانی که در دست داریم و با این فناوری پیشرفته و هوش مصنوعی و... الزامی است که تغییری جهت نزدیک‌شدن به عدالت آموزشی صورت بگیرد...» (م ۱۰).

البته لازم به ذکر است که مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر بازنگری و اصلاح سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو، گامی مهم در جهت رفع این چالش محسوب می‌شود.^۱ این تصمیم که در پی مباحثات گسترده پیرامون این موضوع اتخاذ شده است، نویدبخش تحولات اساسی در نظام پذیرش دانشجو است. هرچند هنوز نتایج نهایی این تغییرات مشخص نیست، اما این رویداد نشان‌دهنده توجه جدی مسئولان به ضرورت اصلاحات در این حوزه است. با توجه به اهمیت موضوع سهمیه‌ها در

۱. «الزام بازنگری و اصلاح سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو به تفکیک استانی» که در جلسه ۹۰۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است؛ به شرح ذیل برای اجرا ابلاغ گردیده است:

«ماده واحده - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف حداکثر است ظرف مدت ۳ ماه با همکاری سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نسبت به بازنگری تمامی سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو؛ اقدام و طرح تفکیک استانی سهمیه‌ها را جهت تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرا از سال ۱۴۰۵؛ به ستاد علم و فناوری دبیرخانه این شورا پیشنهاد نماید».

نظام آموزش عالی، انتظار می‌رود که تغییرات جدید بتواند به بهبود عدالت آموزشی و افزایش رضایتمندی دانشجویان و داوطلبان کنکور منجر شود.

پیامدها

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیامدهای سیاستی عبارتند از:

الف. کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی: کاهش شکاف اقتصادی دانش‌آموزان از طریق توزیع عادلانه منابع آموزشی، تعدیل سهمیه‌ها و ارائه کمک‌هزینه تحصیلی به مناطق محروم، گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت آموزشی است. با اجرای این راهبردها می‌توان به کاهش نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهبود نتایج تحصیلی دانش‌آموزان در تمامی گروه‌های اجتماعی کمک کرد.

ب. نزدیک شدن به عدالت آموزشی: اگر عدالت آموزشی را به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی که نیازهای متفاوت دانش‌آموزان را برآورده کند در نظر بگیریم می‌توان گفت با راهبردهای ارائه شده و اجرایی کردن آن‌ها به عدالت آموزشی نزدیک‌تر خواهیم شد. همچنین، با اعمال و اجرایی شدن سیاست تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه در کنکور سراسری به عدالت آموزشی نزدیک‌تر می‌شویم. نمونه‌ای از دیدگاه‌های یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«... وضعیت ورود به دانشگاه‌ها به دلیل نابرابری‌هایی نظیر تفاوت در مدارس، خانواده‌ها، امکانات مالی و استعداد تحصیلی یکسان نیست. این نابرابری‌ها موجب می‌شود که دانش‌آموزان در نقاط مختلفی برای رقابت قرار گیرند. در بخش پذیرش، سهمیه‌ها برای کاهش این نابرابری‌ها به کار می‌روند تا دانش‌آموزان به‌صورت منطقه‌ای با هم تراز شوند؛ اما در سنجش، لازم است که نقطه شروع به هم نزدیک‌تر شود و سوابق تحصیلی در دروس نهایی تلاش می‌کند شکاف کنکور را کاهش دهد و به عدالت آموزشی نزدیک‌تر شود، اما همچنان نابرابری‌های اساسی پابرجا هستند...» (م ۱۲).

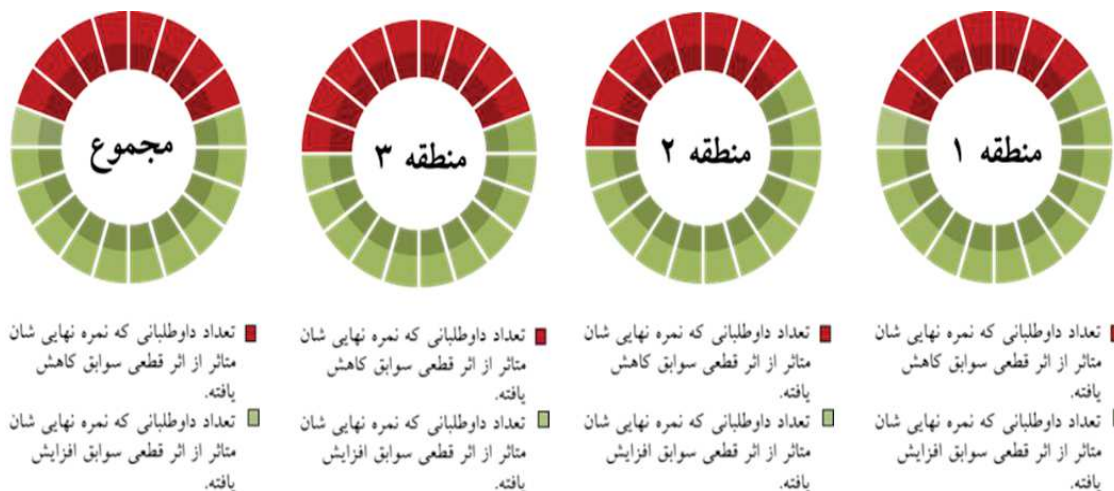
داده‌های ارائه شده در جدول شماره ۲ با استفاده از روش‌های آماری به بررسی کمی تغییرات ایجاد شده در سهم استان‌های مختلف در کنکور سراسری پس از اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخته است. همچنین، با تحلیل کیفی داده‌ها، تلاش شده است تا دلایل این تغییرات و تأثیر آن بر عدالت آموزشی و دسترسی به آموزش عالی در مناطق مختلف کشور تبیین شود. نتایج مقایسه سهم استان‌ها در قبولی رتبه‌های زیر سه هزار کشوری، نشان می‌دهد که کاهش سهم استان تهران در گروه‌های مختلف تحصیلی و به‌ویژه در گروه علوم انسانی، همراه با افزایش سهم استان‌های محروم‌تر، حاکی از آن است که سیاست تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه در کنکور سراسری، تأثیر مثبتی بر کاهش نابرابری‌های آموزشی داشته است. این امر نشان می‌دهد که فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم‌تر بهبود یافته و دانش‌آموزان این مناطق توانسته‌اند عملکرد بهتری در کنکور داشته باشند. تغییرات چشمگیر در گروه علوم انسانی حاکی از آن است که سیاست‌های اخیر بیش‌ترین تأثیر را بر این گروه داشته است به‌طوری‌که سهم تهرانی‌ها ۳/۲ کم‌تر و سهم کرمانی‌ها یک درصد رشد داشته است. افزایش سهم استان‌هایی مانند کرمان در این گروه، نشان‌دهنده بهبود وضعیت آموزشی در این استان‌ها است. باین‌حال توجه به این نکته حائز اهمیت است که استان تهران همچنان در کسب رتبه‌های بسیار برتر (۳۰ رتبه اول) عملکرد قابل توجهی داشته است. اما کاهش سهم این استان در رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ نشان می‌دهد که رقابت برای کسب رتبه‌های برتر و موازنه به نفع سایر استان‌ها افزایش یافته است.

جدول ۲ - مقایسه سهم استان‌ها در قبولی رتبه‌های زیر سه هزار کشوری (Source: Ramezani, 2024)

گروه ریاضی و فیزیک			
نام استان	سهم استان سال ۱۴۰۱ و پیش از اجرای مصوبه	سهم استان سال ۱۴۰۲ و پس از اجرای مصوبه	درصد تغییر
آذربایجان غربی	۰/۵	۰/۹	۰/۴+

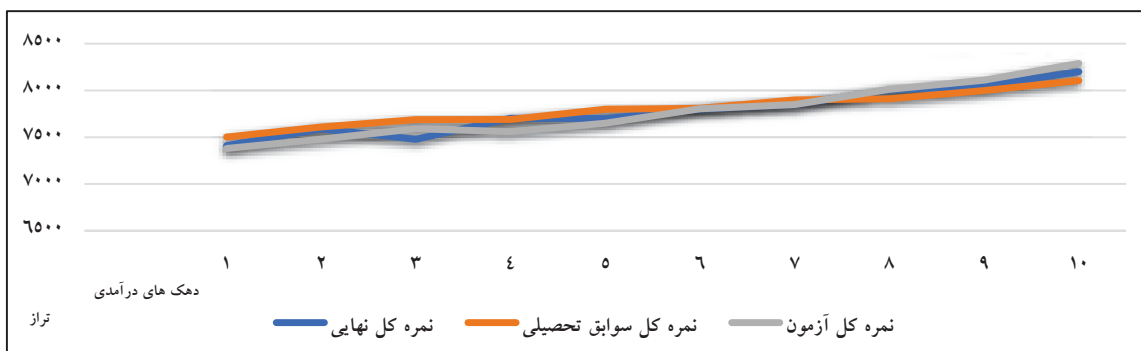
کرمان	۲/۱	۲/۵	+۰/۴
اردبیل	۰/۲	-۰/۵	+۰/۳
سیستان و بلوچستان	۰/۱	-۰/۳	+۰/۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۵	-۰/۷	+۰/۲
مازندران	۳/۳	۳	-۰/۳
فارس	۴/۱	۳/۵	-۰/۶
البرز	۳/۹	۳/۱	-۰/۸
تهران	۴۷/۶	۴۶/۳	-۱/۳
گروه علوم تجربی			
آذربایجان شرقی	۶/۴	۷	+۰/۶
هرمزگان	۰/۶	۱	+۰/۴
کرمان	۲/۸	۳	+۰/۲
سیستان و بلوچستان	۰/۹	۱/۱	+۰/۲
خراسان شمالی	۱/۱	۱/۲	+۰/۱
تهران	۱۶/۳	۱۶/۲	-۰/۱
خوزستان	۳/۸	۳/۵	-۰/۳
همدان	۲	۱/۳	-۰/۷
گروه علوم انسانی			
کرمان	۲/۴	۳/۴	+۱
همدان	۱/۲	۲	+۰/۸
هرمزگان	۰/۴	-۰/۸	+۰/۴
لرستان	۱/۶	۲	+۰/۴
خراسان جنوبی	۲/۸	۳/۱	+۰/۳
یزد	۴	۳/۸	-۰/۲
البرز	۲/۴	۱/۸	-۰/۶
تهران	۲۳	۱۹/۸	-۳/۲

در نمودارهایی که در ادامه این نوشتار ارائه می‌گردد شاهد تغییر موازنه در نمونه جامعه داوطلبان کنکور سراسری ۱۴۰۲ با تاثیر قطعی معدل هستیم. نتایج نشان می‌دهد اعمال قطعی سوابق تحصیلی در کنکور ۱۴۰۲، تحولات قابل توجهی را در توزیع نمرات داوطلبان به ویژه در گروه علوم تجربی ایجاد کرده است. بر اساس آمار ارائه شده، این تغییر رویه آموزشی، تأثیر مثبتی بر عملکرد بسیاری از داوطلبان داشته است. در منطقه یک، تعداد داوطلبانی که نمره کل نهایی آن‌ها به دلیل اعمال سوابق تحصیلی افزایش یافته، به طور قابل توجهی بیش‌تر از افرادی است که نمره آن‌ها کاهش یافته است. این نشان می‌دهد که قطعی شدن سوابق تحصیلی، فرصت جبران برای بسیاری از داوطلبان این منطقه فراهم کرده است. در مناطق دو و سه نیز این روند روبه رشد بوده و تعداد داوطلبانی که نمره نهایی آن‌ها افزایش یافته، به مراتب بیشتر از سایرین بوده است (Ramezani, 2024:5). به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که اعمال قطعی سوابق تحصیلی، منجر به افزایش نمره نهایی حدود ۲۹۸ هزار و ۵۵۹ داوطلب در سراسر کشور شده است. این امر حاکی از آن است که این سیاست آموزشی، به کاهش نابرابری‌های آموزشی و افزایش فرصت‌های برابر برای همه داوطلبان کمک کرده است. باتوجه به این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که قطعی شدن سوابق تحصیلی، به عنوان یک عامل مؤثر در بهبود عملکرد داوطلبان، می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزشی و افزایش عدالت آموزشی نقش بسزایی داشته باشد. تحلیل نتایج کنکور سراسری پس از اعمال تأثیر قطعی سوابق تحصیلی نشان می‌دهد که تغییرات قابل توجهی در ساختار نمرات کل داوطلبان گروه آزمایشی علوم تجربی ایجاد شده است.



شکل ۴ - تغییر موازنه در نمونه جامعه داوطلبان آزمون ۱۴۰۲ (صرفاً گروه آزمایشی علوم تجربی)
(Source: Islamic Consultative Assembly Research Center, 2024)

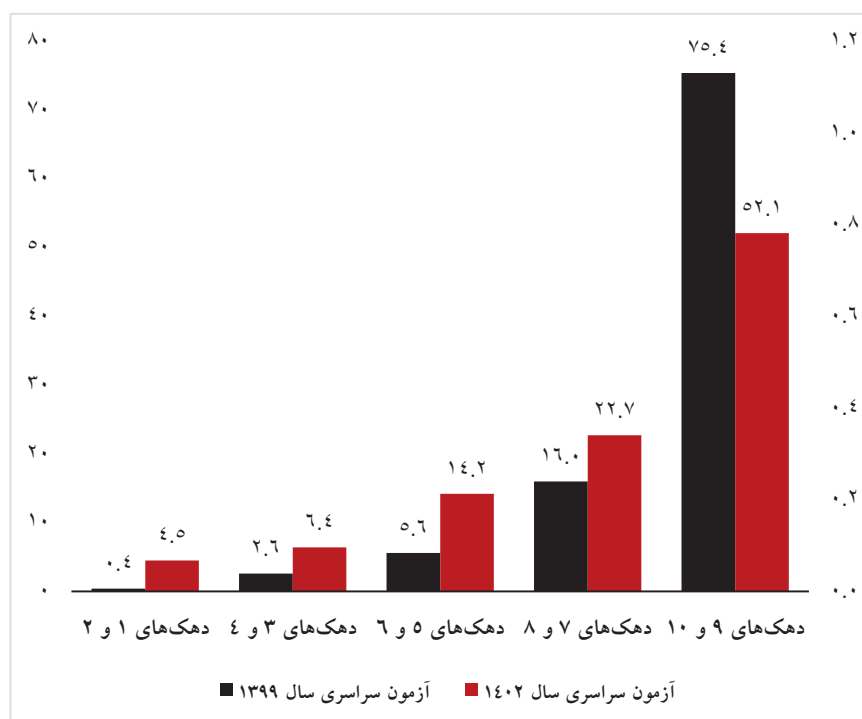
نمودار ارائه شده در شکل شماره ۶ حاکی از آن است که دهک‌های درآمدی ۱ تا ۷ در امتحانات نهایی و تشریحی عملکرد بهتری نسبت به کنکور داشته‌اند. در مقابل، سه دهک بالای درآمدی در آزمون‌های کنکور با روش تستی عملکرد بهتری از خود نشان داده و از دستیابی به نمرات بالا در امتحانات نهایی ناتوان مانده‌اند. این وضعیت تأثیر قابل توجهی بر نتیجه کلی دانش‌آموزان دارد و نشان‌دهنده افت عملکرد کلی در زمینه سنجش است. به‌طور خاص، طبقات بالای اقتصادی با صرف هزینه‌های گزاف برای مشاوره‌های برنامه‌ریزی، کتاب‌های تست، آزمون‌های متنوع و کلاس‌های آموزشی مربوط به مهارت‌های تست‌زنی موفق به کسب رتبه‌های بالا در کنکور می‌شوند. با این حال، در زمینه سنجش مبتنی بر امتحانات تشریحی و کتاب‌های درسی، این گروه‌ها از رقابت باز می‌مانند که این امر به‌وضوح نشان‌دهنده تأثیر مثبت و کارایی سیاست «تأثیر قطعی معدل» برای دانش‌آموزان دهک‌های پایین اقتصادی جامعه است. البته در گروه‌های آزمایشی علوم ریاضی و علوم انسانی، تغییرات قابل توجهی در ساختار نمرات کل داوطلبان مشاهده نشده است و الگوی قبولی دهک‌های مختلف درآمدی مشابه سال‌های گذشته باقی مانده است. این امر ممکن است به دلیل تفاوت در میزان رقابت برای ورود به رشته‌های مختلف در این گروه‌های آزمایشی باشد. به‌طور کلی، رقابت برای ورود به رشته‌های پرطرفدار گروه علوم تجربی بسیار شدیدتر است و بنابراین، تأثیر تغییرات در سیاست‌های کنکور بر این گروه آزمایشی بیش‌تر احساس می‌شود.



شکل ۵ - مقایسه نمرات کل، سوابق تحصیلی و نهایی در بین پذیرفته‌شدگان رشته‌های با آزمون گروه تجربی به تفکیک گروه درآمدی
(Source: Supreme Council of the Cultural Revolution, 2024)

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مطالعه اخیر خود، با بهره‌گیری از داده‌های گسترده از جمله اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی از مرکز آمار ایران و داده‌های رتبه کنکور پذیرفته‌شدگان از سازمان سنجش، به بررسی عمیق نابرابری در دسترسی به آموزش عالی پرداخته است. این مطالعه با استفاده از نمونه تصادفی حدود ۱۹ هزار نفر از پذیرفته‌شدگان کنکور ۱۴۰۲ (معادل حدود ۱۱ درصد از کل پذیرفته‌شدگان) انجام شده است. گزارش مذکور ضمن بررسی عوامل مؤثر بر میزان تحصیلات افراد، به تحلیل نابرابری در دسترسی به آموزش عالی باکیفیت و همچنین نابرابری‌های موجود در مراحل پیش از دانشگاه پرداخته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های انجام شده برای افزایش عدالت آموزشی، همچنان دهک‌های بالای درآمدی از دسترسی بهتری به دانشگاه‌های برتر و رشته‌های پرطرفدار برخوردار هستند. یکی از یافته‌های مهم این گزارش، تأیید تأثیر اعمال سوابق تحصیلی در کنکور بر کاهش نسبی نابرابری در دسترسی به آموزش عالی است. با این حال، نتایج نشان می‌دهد که این سیاست هنوز نتوانسته به طور کامل نابرابری‌های موجود را برطرف کند و دهک‌های پایین درآمدی همچنان با چالش‌هایی در این زمینه مواجه هستند (Source: Islamic Consultative Assembly Research Center, 2024).



شکل ۶ - مقایسه سهم دهک‌های درآمدی در امتحانات نهایی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۲

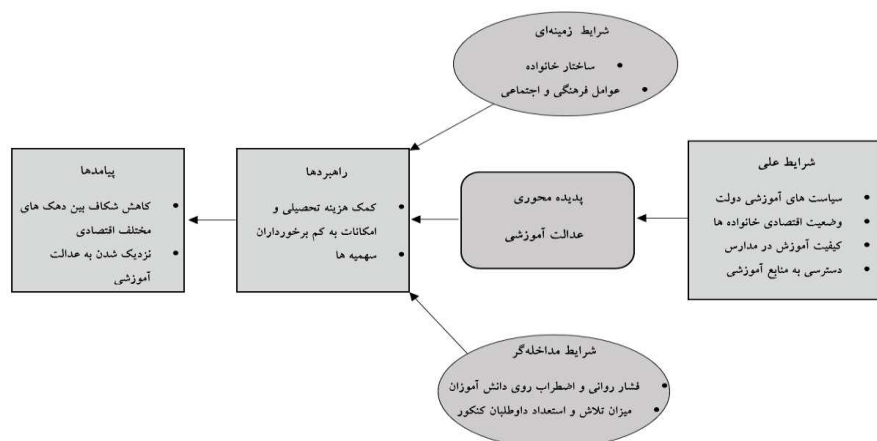
(Source: Islamic Consultative Assembly Research Center & Supreme Council of the Cultural Revolution, 2024)

جدول ۳ - مراحل کدگذاری: کدگذاری باز، مقوله‌های فرعی و اصلی، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدها	مصاحبه‌شونده
علاقه‌آموزی	سیاست‌های دولتی	سیاست‌های دولتی	مدیریت و سازماندهی آموزش	خودمختاری مدارس - انواع مدارس - نقش دولت در مدیریت آموزش - حاکمیت آموزشی - تمرکززدایی - نقش مدیران - ارزیابی عملکرد مدارس - روش‌های تدریس - ارزیابی یادگیری - تعامل معلم و دانش‌آموز	م ۱۲، م ۳، م ۶، م ۱۱، م ۷، م ۵، م ۹

	وضعیت اقتصادی خانواده‌ها		آموزش الکترونیکی - زیرساخت‌های فناوری - مشارکت اولیا - مشارکت نهادهای غیردولتی - مهارت‌های معلمان	م ۱۳، م ۸، م ۱، م ۷، م ۱۰
			بودجه عمومی آموزش - توزیع بودجه - معیارهای بودجه - شفافیت بودجه - همکاری با بخش خصوصی	م ۹، م ۶، م ۲، م ۵
		سطح تحصیلات والدین	توقعات والدین - انگیزه تحصیلی فرزندان - اهمیت آموزش در خانواده - نقش الگویی والدین - ارتباط والدین با مدرسه - ارزش قائل شدن برای تحصیلات - شبکه‌های اجتماعی	م ۱۲، م ۵، م ۱، م ۸، م ۷، م ۱۳، م ۶، م ۴
			هزینه‌های کتاب و لوازم التحریر - شهریه مدارس - هزینه کتاب‌های کمک آموزشی - هزینه آزمون‌های آزمایشی - هزینه مشاور برنامه‌ریزی - هزینه‌های رفت و آمد	م ۲، م ۴، م ۱۱، م ۹، م ۱۳، م ۷، م ۳، م ۱۲، م ۱
			سطح اجتماعی - اقتصادی خانواده - چندشغله بودن - ثبات شغلی - بیکاری	م ۵، م ۸، م ۱۱، م ۱۳، م ۴، م ۲، م ۹
		کیفیت آموزش و دسترسی به منابع آموزشی	تجهیزات آموزشی - فضای آموزشی - دسترسی به اینترنت - توزیع معلمان - شایستگی‌های معلمان - تعداد معلمان - منابع دیجیتال - تأسیسات مدرسه - کتاب‌های درسی	م ۱۳، م ۴، م ۱، م ۹، م ۷، م ۳
			دسترسی به کتابخانه - تنوع مواد آموزشی - در دسترس بودن کتاب‌های درسی - به روز دادن مواد آموزشی - تناسب با برنامه درسی - سیستم توزیع مواد آموزشی	م ۱۱، م ۱، م ۸، م ۱۲
			تسلط بر محتوای درسی - تسلط بر فناوری آموزشی - آشنایی با روش‌های تدریس نوین - برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان - مدیریت کتاب درس - ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان	م ۵، م ۶، م ۱۰
			استفاده از روش‌های تدریس فعال - تلفیق روش‌های تدریس - استفاده از فناوری در تدریس	م ۴، م ۱۱، م ۶، م ۹
			ارزیابی عملکردی - ارزیابی شفاهی - ارزیابی کتبی - رصد کلاس	م ۱۱، م ۱، م ۵، م ۷، م ۹، م ۳
			پلتفرم‌های یادگیری آنلاین - وبسایت‌های آموزشی - شبکه‌های اجتماعی یادگیری آموزشی	م ۱۳، م ۴، م ۱، م ۵، م ۷، م ۲، م ۹
			طلاق - کوچک شدن خانواده - تأثیر شهرنشینی بر خانواده	م ۳، م ۸، م ۱۰، م ۱۱، م ۶
			گرمی و محبت - کنترل - استقلال - مسئولیت‌پذیری - ارتباط - انضباط	م ۹، م ۱۱، م ۱، م ۵، م ۷، م ۲، م ۹
		ساختار خانواده‌ها	صمیمیت در خانواده - تشویق عملکرد دانش‌آموز - همدلی خانواده - امنیت عاطفی - جو مثبت	م ۹، م ۱۳، م ۴
			تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش‌های تحصیلی خانواده - میزان استفاده خانواده از خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی - میزان ارتباط والدین با مدرسه و معلمان فرزندان	م ۱۳، م ۴، م ۱، م ۱۱، م ۸
			ارزش قائل شدن برای مشاغل خاص - اهمیت تحصیلات عالی در خانواده/جامعه - نگرش مثبت/منفی به تحصیل دختران - تأثیر گروه‌های همسالان بر انتخاب‌های تحصیلی/شغلی	م ۵، م ۶، م ۸، م ۱۲، م ۱۱، م ۳، م ۵
			هم‌کلاسی‌ها و دوستان - مشاوران تحصیلی و تربیتی - والدین - رسانه‌ها	

فشار روانی و اضطراب روی دانش‌آموزان	عوامل تحصیلی	حجم زیاد تکالیف - امتحانات و آزمون‌ها - رقابت تحصیلی - ترس از شکست - انتظارات بالای والدین و معلمان - عدم تطابق توانایی‌ها با انتظارات - مشکلات در یادگیری	م ۸، م ۴، م ۳، م ۵، م ۱۱، م ۹، م ۱۳
		تغییر مدرسه - مسائل خانوادگی - فشار همسالان	م ۱، م ۱۳، م ۵
		شخصیت کمال‌گرا - ترس از آینده - کمبود اعتمادبه‌نفس - مشکلات خواب - مشکلات تغذیه - بیماری جسمی	م ۲، م ۴، م ۷، م ۹، م ۱۱، م ۱۰
	عوامل مرتبط با تلاش و میزان تلاش و استعداد داوطلبان کنکور	مدت‌زمان مطالعه - کیفیت مطالعه - انگیزه و هدف‌گذاری - پایداری و پشتکار - مدیریت زمان - استفاده از تکنیک‌های مطالعه	م ۱۰، م ۶، م ۵، م ۱، م ۳
		توانایی درک مفاهیم - حافظه - خلاقیت - توانایی حل مسئله - علاقه به رشته تحصیلی - توانایی‌های ذهنی عمومی	م ۳، م ۱۱، م ۱۲، م ۷، م ۴
	کمک‌هزینه تحصیلی و امکانات به کم‌برخورداران	دولت و بخش خصوصی	م ۵، م ۳، م ۱، م ۱۱، م ۹
		نقش نهادهای غیردولتی و خیریه‌ها	م ۶، م ۱۲، م ۴، م ۹، م ۳
		تعدیل سهمیه‌ها	م ۱۲، م ۵، م ۳، م ۱۰
		ایجاد سقف برای استفاده از سهمیه - مصاحبه و ارزیابی‌های تکمیلی - برگزاری دوره‌های آموزشی برای مشمولین سهمیه -	م ۱۱، م ۹، م ۴، م ۲، م ۵
	کاهش شکاف بین دهک‌های مختلف اقتصادی	نسبت دهک‌های بالا به دهک‌های پایین - نابرابری در توزیع منابع و فرصت‌های آموزشی	م ۱۲، م ۸، م ۵، م ۱۰، م ۱، م ۱۳
تفاوت در دستمزد مشاغل - ناعادلانه بودن درآمد - شکاف طبقاتی - فشار اقتصادی بر دهک‌های پایین		م ۷، م ۳، م ۱۲، م ۱۰، م ۲، م ۵	
توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزشی		م ۱۳، م ۷، م ۱۰، م ۲، م ۱۱، م ۱۲	
تراکم بالای کلاس‌ها - کمبود امکانات مناطق محروم - دوری مدرسه - مشکل رفت‌وآمد		م ۵، م ۱۰، م ۷، م ۸	



شکل ۷ - مدل پارادایمی عدالت آموزشی در کنکور با تأکید بر تأثیر قطعی معدل دوره دوم متوسطه

توصیه‌های سیاستی

۱. بازنگری در نظام سهمیه‌بندی: یکی از مهم‌ترین راهبردها برای ارتقای عدالت آموزشی در فرایند پذیرش دانشجو، بازنگری و تعدیل نظام سهمیه‌بندی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با اعمال تغییرات در نظام سهمیه‌بندی می‌توان به عدالت آموزشی نزدیک‌تر شد. پیشنهاد می‌شود که حداقل درصد لازم برای استفاده از سهمیه‌های ایثارگری و رزمندگی به ۸۰ درصد افزایش یابد تا سطح علمی پذیرفته‌شدگان در این سهمیه‌ها ارتقا یابد و به عدالت آموزشی نزدیک‌تر شویم.

۲. اصلاح تبصره ماده ۹۰ قانون برنامه ششم توسعه: تبصره‌ای که با اولویت سهمیه‌های ایثارگران بر سهمیه‌های مناطق، باعث ایجاد شکاف عدالت آموزشی می‌شود. این تبصره موجب شده است که داوطلبان مناطق محروم با سهمیه‌های مناطق ۲ و ۳، فرصت کمتری برای ورود به دانشگاه‌های برتر داشته باشند. پیشنهاد می‌شود که این تبصره لغو یا اصلاح شود و سهمیه‌های مناطق، به‌ویژه مناطق ۲ و ۳، افزایش یابد تا فرصتی برابر برای تمامی داوطلبان ایجاد شود. تحلیل داده‌های کارنامه داوطلبان در دو نمونه مجزا که به ترتیب شامل سهمیه‌های ۵ و ۲۵ درصدی هستند، نشان می‌دهد که اعمال سهمیه‌ها تأثیر قابل توجهی در کاهش رتبه منطقه‌ای داوطلبان دارد. این موضوع بیانگر نقش سهمیه‌ها در تسهیل دسترسی داوطلبان به آموزش عالی است و به نوعی به عدالت آموزشی دامن می‌زند. با این حال، برای افزایش کارایی و عدالت در نظام آموزشی، ضروری است که معیارهای استفاده از سهمیه‌ها (به‌خصوص حداقل درصد لازم برای استفاده از سهمیه‌های ایثارگری و رزمندگی و تبصره ماده ۹۰ برنامه ششم توسعه) مورد بازنگری قرار گیرد.

۳. توجه به ابعاد اجتماعی - اقتصادی سیاست‌ها: برای مقابله با نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی که به طور مستقیم بر نظام آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان در فرآیندهایی مانند کنکور سراسری تأثیر می‌گذارد، پیشنهاد می‌شود که دولت برنامه‌های حمایتی هدفمند و ساختاری را در ابعاد مختلف آموزشی به اجرا گذارد. این اقدامات شامل برنامه‌هایی است که به طور خاص برای دانش‌آموزان دهک‌های پایین طراحی شده‌اند و هدف آن‌ها کاهش شکاف آموزشی و افزایش فرصت‌های برابر برای تمامی دانش‌آموزان است.

۴. برگزاری کلاس‌های تقویتی رایگان: یکی از عوامل کلیدی نابرابری در نتایج تحصیلی و کنکور، دسترسی ناعادلانه به کلاس‌های تقویتی و منابع آموزشی است. در حالی که دانش‌آموزان دهک‌های بالای اقتصادی به راحتی از کلاس‌های خصوصی و خدمات آموزشی پیشرفته بهره‌مند می‌شوند، دانش‌آموزان دهک‌های پایین به دلیل محدودیت‌های مالی از این فرصت‌ها محروم می‌مانند. برای کاهش این شکاف، پیشنهاد می‌شود دولت برنامه‌هایی برای برگزاری کلاس‌های تقویتی رایگان در مناطق محروم و برای گروه‌های کم‌درآمد طراحی کند. این کلاس‌ها می‌توانند توسط معلمان مجرب ارائه شوند و به بهبود سطح علمی دانش‌آموزان کمک کنند. به عنوان مثال، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند این کلاس‌ها را در مدارس محلی یا مراکز فرهنگی، به صورت حضوری یا آنلاین، با تمرکز بر دروس پایه‌ای و کنکوری اجرا کند. این اقدام می‌تواند به کاهش نابرابری‌های آموزشی و ارتقای عدالت در دسترسی به منابع آموزشی کمک کند.

۵. ارائه منابع آموزشی بدون هزینه: هزینه بالای منابع آموزشی، از جمله کتاب‌های کمک‌درسی، جزوات تخصصی و منابع آموزشی الکترونیکی، یکی دیگر از موانع اصلی برای دانش‌آموزان دهک‌های پایین است. برای حل این مشکل، پیشنهاد می‌شود که دولت منابع آموزشی باکیفیت و به‌روز را به صورت رایگان در اختیار این دانش‌آموزان قرار دهد. این منابع شامل کتاب‌های درسی تکمیلی، جزوات کنکوری، ویدئوهای آموزشی و نرم‌افزارهای آموزشی است. برای مثال، دولت می‌تواند وبسایت‌های آموزشی معتبری را راه‌اندازی کند که دانش‌آموزان بتوانند به صورت رایگان به منابع آموزشی دسترسی داشته باشند. همچنین، می‌توان کتاب‌های کمک‌درسی را به صورت چاپی و رایگان در مدارس توزیع کرد.

ع ارائه مشاوره تحصیلی عمومی: یکی دیگر از عواملی که بر نابرابری‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد، عدم دسترسی به مشاوره تحصیلی حرفه‌ای است. دانش‌آموزان دهک‌های بالا معمولاً از خدمات مشاوره‌های خصوصی استفاده می‌کنند که به آن‌ها کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی دقیقی برای کنکور داشته باشند. اما دانش‌آموزان دهک‌های پایین به دلیل هزینه‌های بالای این خدمات، از این امکان محروم می‌مانند. برای رفع این مشکل، پیشنهاد می‌شود که دولت برنامه‌های مشاوره تحصیلی عمومی را در مدارس و مراکز آموزشی اجرا کند. این مشاوره‌ها می‌توانند شامل راهنمایی در زمینه انتخاب رشته، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت استرس باشند. برای مثال، دولت می‌تواند تیم‌های مشاوره‌ای را در مدارس محلی مستقر کند و یا از طریق پلتفرم‌های آنلاین، مشاوره‌های رایگان را برای دانش‌آموزان ارائه دهد. این کار می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، عملکرد بهتری در کنکور داشته باشند.

۷. توزیع عادلانه بودجه بین مدارس شهری و روستایی: یکی از ریشه‌های عمیق نابرابری‌های آموزشی، توزیع ناعادلانه بودجه بین مدارس شهری و روستایی است. مدارس شهری معمولاً به امکانات بهتری مانند آزمایشگاه‌های مدرن، کتابخانه‌های پیشرفته و معلمان با تجربه دسترسی دارند، در حالی که مدارس روستایی اغلب با کمبود منابع و امکانات مواجه هستند. برای کاهش این شکاف، پیشنهاد می‌شود که دولت بودجه را به طور عادلانه بین مدارس شهری و روستایی توزیع کند و از این طریق، شرایط آموزشی در مناطق محروم را بهبود بخشد. برای مثال، دولت می‌تواند برنامه‌هایی برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق روستایی اجرا کند، مانند ساخت کلاس‌های هوشمند، تجهیز آزمایشگاه‌ها و استخدام معلمان مجرب برای این مناطق.

References

- 1- Abdolazadeh, N. , Bolandhematan, K. and Shirbagi, N. (2021). Privatization of schools and reproduction of educational inequality; the construction of experiences of principals of high school students in Sanandaj.. Social Development & Welfare Planning, 12(48), 147-186. doi: 10.22054/qjsd.2021.60201.2159. [In Persian]
- 2- Ahmadi Safa, M. and Sheikholmoloki, H. (2023). The Impacts of a Nationwide High-Stakes Test from High School Teachers and Principals' Perspectives: A Qualitative Study. International Journal of Language Testing, 13(1), 104-132. doi: 10.22034/ijlt.2022.352176.1179. [In Persian]
- 3- Al-Husseini, Seyyed Hassan. (2010) "The Issue of Equality in Education", Ayeen Quarterly, No. 32-33, pp. 17-22. [In Persian]
- 4- Atabek Yigit, E., Balkan Kiyici, F., & Cetinkaya, G. (2014). Evaluating the Testing Effect in the Classroom: An Effective Way to Retrieve Learned Information. Eurasian Journal of Educational Research, 54, 99-116.
- 5- Fathabadi, J. , Shalani, B. and Sadeghi, S. (2018). The Impact of University Entrance Exam on Teaching and Evaluation from the Viewpoints of Teachers. Higher Education Letter, 10(40), 7-26. [In Persian]
- 6- Fathtabar Firouzjaei K, Shojaati A, Shahram I, Khademi F. Pathology of the Current Situation of the Student Assessment and Admission System in the Country with A Focus on the Entrance Examination and Providing A Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study). Educational research . 2021; 8 (42): 3. 49-77. <http://erj.khu.ac.ir/article-1-912-en.html>. [In Persian]
- 7- Ghaffaari Esmaa'eeli, S A. Hassani, Mohammad. Qalavandi, Hasan. (2024). Factors Creating Educational Inequality across Mazandaran Province and Ways of Eliminating them. Journal of Education and Training, 39(4), 151-172. : <http://qjoe.ir/article-1-3229-fa.html>. [In Persian]
- 8- Gholipour and Vosoughi-Nairy (2014). Policy research analysis of the law on student assessment and admission in universities and higher education centers of the country. Journal of Human Resource Management, 4(1), 103-128. [In Persian]
- 9- Huang, X. H. & Lee, J. C. K. (2015). Mapping the In teraction between High-stake Testing and Curriculum Reform: A Case Study in Mainland China. Curriculum and Teaching, 30 (2), 81- 98.
- 10- Karimi Behrouzian, A. , Ofoghi, N. and Ebadollahi, H. (2018). Social Class and Concur Performance: A Critical Study at the Bu-Ali Sina University of Hamedan. Iranian Journal of Sociology, 19(1), 27-67. doi: 10.22034/jsi.2018.36647. [In Persian]
- 11- Kiani, G. R. (2015). Educational Background and National Examinations as an Alternative to the Entrance Examination-Based System: Why, What, and How to Change. Language and Translation Studies, 48(4), 1-26. [In Persian]
- 12- Majlis Research Center, "Surveying the Status of Higher Education Justice in Iran, Chapter One: Statistical Data and Evidence", 2024. [In Persian]
- 13- Mosalsali, Nasrin, (2024), Educational Justice and Reducing Inequalities in Education, First National Conference on Educational and Research Strategies in Education, Ahvaz, <https://civilica.com/doc/2131990>. [In Persian]
- 14- McMillan, J. H. (Ed.). (2013). SAGE handbook of research on classroom assessment. Sage. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- 15- Musavi, Seyed Jalal, Asadpour, Majid. , Souzanchi Kashani, Ebrahim. Identifying the challenges of student assessment and admission system: consequences for school, family and university. Higher Education of Iran.; 15 (3):20-42. <http://ihej.ir/article-1-2018-fa.html>. [In Persian]
- 16- Ramezani, Zahra, "The top two deciles spend 2.3 times more in high school", Farhikhtegan Newspaper, No. 4235, 2024. [In Persian]
- 17- Ramezani, Zahra and Mazaheri, Abolfazl, "Implementing an ineffective score in humanities and mathematics; to the detriment of high earners in empirical studies", Farhikhtegan Newspaper, No. 4232, 2024. [In Persian]
- 18- Ramezani, Zahra and Mazaheri, Abolfazl, "The share of the top 3 deciles in the top medical fields decreased by one third", Farhikhtegan Newspaper, No. 4232, 2024. [In Persian]

- 19- Ramezani, Zahra and Mazaheri, Abolfazl, "54 percent of the top 2 deciles of the entrance exam", Farhikhtegan Newspaper, No. 4232, 2024. [In Persian]
- 20- Rahman, Kh & Ibna Seraj, Prodhan Mahbub & Hasan, Md & Namaziandost, Ehsan & Tilwani, Shouket. (2021). Washback of assessment on English teaching-learning practice at secondary schools. Language Testing in Asia. 11. 1-23. 10.1186/s40468-021-00129-2. [In Persian]
- 21- Savadkouhi Khoyagani, Mahsa. Zarei Mahmoudabadi, Hassan (2022). Consequences and Challenges of Staying Behind in the Entrance Exam: A Data-Based Study. Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies. Volume 9. [In Persian]
- 22- Supreme Council of the Cultural Revolution website (2024).
- 23- Todji, Naghmeh, (2022). The impact of the entrance exam on the mental health level of high school students, Fourth National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling with a Teacher's Perspective, Minab, <https://civilica.com/doc/1528037>. [In Persian]
- 24- Walker, J., Pearce, C., Boe, K., & Lawson, M. (2019). The power of education to fight inequality: How increasing educational equality and quality is crucial to fighting economic and gender inequality. Oxfam. England: Oxfam GB. <https://doi.org/10.21201/2019.4931>